

## دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن: روان‌شناسی خرد

آرزو دلفان بیرانوند ✉

دانشگاه بوعلی‌سینا

دکتر رسول کرد نوقابی

دانشگاه بوعلی‌سینا

زینب عربلو

دانشگاه بوعلی‌سینا

پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۹

خرد مفهوم پیچیده‌ای است که تاکنون تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. با این حال میان صاحب‌نظران در این مورد که خردمندی مشتمل بر دانش، بینش، تأمل، تلفیق منافع فرد با رفاه دیگران است، توافقی کلی وجود دارد. خردمندی یکی از عوامل وابسته به شناخت و تفکر است، از این رو، خرد و خردمندی با دوره‌ی سالمندی مرتبط است. زیرا افراد سالمند رویدادهای گوناگون زندگی را به صورت‌های مختلفی تجربه می‌کنند، به گونه‌ای که در برخورد با مسائل زندگی می‌توانند به ارائه راه‌حل‌های مناسب بپردازند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن، به تحلیل و تفسیر خرد و ویژگی‌های خردمندی از نظر سالمندان پرداخته است. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی انجام شده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته بوده است. جامعه‌ی پژوهشی شامل تمامی افراد سالمند شهر همدان بودند. از این میان ۳۷ نفر حاضر به مصاحبه شدند که دامنه‌ی سنی آنها بین ۶۰ تا ۸۱ سال بود و اطلاعات مورد نیاز ضبط و سپس بر روی کاغذ منتقل شد. متن مصاحبه با روش تحلیل محتوا و با استفاده از سه فرایند پیاده‌سازی، کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین ویژگی خردمند بودن شخصیت‌های تاریخی «خدمت‌کردن» و عامل مهمی که در خردمند بودن این شخصیت‌ها مؤثر بوده است شامل عنایت خداوند و تربیت خانوادگی درست است. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مفهوم خرد را می‌توان در قالب ۴ شکل مختلف (دین‌داری، همدلی/حمایت، شناخت/علم، و شخصیت) بیان کرد. بر این اساس، نتایج این مطالعه جنبه‌های معنوی و روانی-اجتماعی خرد را در دوره سالمندی نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: خرد، مؤلفه‌های خرد، سالمندی، نظریه‌های ضمنی خرد، نظریه‌های روان‌شناسی خرد

میلاد مسیح، علاقه و نگرانی در مورد خرد و تلاش برای خردمند بودن مشاهده می‌شود (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱). خرد مفهومی جهانی است که تاریخچه آن نشان می‌دهد که نظام‌های فلسفی- مذهبی (مانند کنفوسیوس، یهودیت، و تائوئیسم) و روان‌شناسی (مانند یوگا و بودیسم) آن را برای هزاران سال پیش مورد توجه قرار داده‌اند (والش، ۲۰۱۴). در روان‌شناسی نیز پژوهش در مورد خرد با پیشرفت و ظهور روان‌شناسی نوین همراه بوده است. به گونه‌ای که مفهوم خرد تقریباً از سال ۱۹۷۰ وارد بحث‌ها و پژوهش‌های تجربی در عرصه‌های مختلف روان‌شناسی

مفهوم خرد و خردمندی از زمان‌های بسیار دور مورد توجه اندیشمندان بوده است. به نحوی که در آثار به جامانده از تمدن بین‌النهرین و مصر در قرن سوم پیش از

رسول کرد نوقابی، دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران؛ آرزو دلفان بیرانوند، کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران؛ زینب عربلو، دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. ✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به آرزو دلفان بیرانوند، کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران باشد.

پست الکترونیکی: arezou.delfan14@gmail.com

«توانایی قضاوت درست در مورد مسائل مهم، اما نامشخص زندگی» می‌باشد (دیتمن کولی و بالتز، ۱۹۹۰). این خردمندی، در محیط‌های فرهنگی مختلف شکل‌های پوششی متفاوتی به خود می‌گیرد (لابویی - ویف، ۱۹۸۵؛ آردلت، ۲۰۱۲).

همچنین اریکسون (۱۹۶۸، نقل از هاشمی، ۱۳۹۳) خردمندی را به عنوان بخشی از شخصیت می‌داند. او معتقد است رشد شخصیت نیازمند کسب و حل یک سلسله تعارض‌های روانی-اجتماعی در هر مرحله از زندگی است. دیدگاه تکاملی اریکسون (اریکسون، اریکسون، و کیونیک، ۱۹۸۶) به سه توانایی انسان در طول زندگی‌اش اشاره دارد: (۱) توانایی برای یکپارچه‌سازی تجارب زندگی فرد، (۲) اعتماد به نفس در ارزش شخصیتی خود، و (۳) پذیرش مرگ به عنوان نقطه‌ای اوج زندگی. اریکسون و همکاران (۱۹۸۶) این توانایی‌ها را خردمندی نامیدند. آن‌ها بر این باور هستند که افراد خردمند مسن شرایط پیچیده را با عوامل متعددی می‌سنجند و از نظر آن‌ها تعصب عاملی نابهنجار است. زیرا با افزایش سن، افراد به فهم و درک پایین خود پی می‌برند. افرادی که به این معرفت دست پیدا می‌کنند، افرادی با سن بالا هستند، چرا که رسیدن به چنین تجربه‌هایی نیاز به زمان زیادی دارد. این نوع یادگیری صرفاً شناختی نیست بلکه به عوامل شخصیتی نیز نیاز دارد. اطلاعات زیادی در مورد اینکه چگونه مراحل دوم زندگی می‌تواند موجب افزایش خردمندی شود در دست نیست (ادموندسون، ۲۰۰۵). اما با این وجود شواهد به دست آمده از پژوهش‌ها در طول سال‌ها نشان می‌دهند که سالمندی و افزایش سن با افزایش خردمندی مرتبط است (ادموندسون، ۲۰۰۵)، به نحوی که بر اساس آن می‌توان به خود و دیگران و مشکلات متعددی که جواب مشخصی ندارند پاسخ داد. خردمندی همچنین ممکن است با جهان بینی‌های مذهبی در ارتباط باشد (وود وارد، ۲۰۰۳). برای نمونه پالوس، ویر، هارمس، استراسر (۲۰۰۲) در پژوهشی از دانشجویان خواستند که در مورد خردمندترین شخصی که می‌شناسند فکر کنند. نتایج نشان داد که افراد مورد مطالعه‌ی آن‌ها بیشتر رهبران مذهبی (به عنوان افرادی که به صورت مسالمت‌آمیز و دلسوزانه جهان را تغییر می‌دهند) را به عنوان خردمند معرفی کردند. جیسون و همکاران (۲۰۰۱) با شرکت‌کنندگان در مورد ویژگی‌های افراد

شده است. در آثار اولیه‌ی روان‌شناسی، خرد به عنوان نقطه‌ی ایدئال پیشرفت انسان در نظر گرفته می‌شد (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱). از این‌رو، خرد اغلب به عنوان عالی‌ترین شکل شناخت توصیف می‌شود، که متخصصان آن را به عنوان بالاترین فضیلت انسان در نظر می‌گیرند (برزینا و ریتومسکی، ۲۰۱۰). به گونه‌ای که در همه‌ی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و بالاترین همه‌ی فضایل در نظر گرفته شده است (والش، ۲۰۱۵). به رغم دشواری در تعریف خرد، میان پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد مبنی بر این که خردمندی مشتمل بر دانش، بینش، تأمل، تلفیق منافع فرد با منافع و رفاه دیگران است (آردلت، ۲۰۱۱). همچنین در سنت فرهنگ‌های شرق و غرب (یانگ، ۲۰۰۱) خرد به عنوان مفهومی چند وجهی با موضوع‌های گوناگونی همچون دانش، هیجان، خود تنظیمی، انگیزش، کارکرد اجتماعی، اخلاق و همچنین ارتباط پیچیده‌ی بین این جنبه‌ها در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر خردمندی در طول سال‌ها با ویژگی‌هایی از قبیل شخصیت، قضاوت، اخلاق، دانش ماهیت انسان، و وسعت دید تعریف می‌شد (استادینگر، ۲۰۰۱). همچنین یانگ (۲۰۱۳) بیان می‌کند که خردمندی از سه مؤلفه از جمله انسجام شناختی، تجسم خرد در اعمال، و تأثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در درازمدت برای حفظ مصالح جمعی تشکیل می‌شود. آردلت (۲۰۰۳) خرد را ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه مؤلفه‌ی شناختی، تأملی، و عاطفی تعریف می‌کند. مؤلفه‌ی شناختی بر تمایل مداوم فرد برای درک شرایط انسانی و بخصوص مسائل درون‌فردی و بین‌فردی، بعلاوه‌ی دانش حاصل از این تمایل اشاره دارد. مؤلفه‌ی تأملی به توانایی درک مسائل از زوایای چندگانه و همچنین بررسی خود (خودارزیایی) و خود بینشی اشاره دارد. مؤلفه‌ی عاطفی به عنوان عشق دلسوزانه، توجه و مهربانی تعریف می‌شود (یعنی نگرش همدلانه مثبت نسبت به دیگران). طبق پارادایم خردمندی برلین (بالتز و استادینگر، ۲۰۰۰)، خردمندی با مفهوم و اداره کردن زندگی سر و کار دارد. آنها تکامل خردمندی را نه تنها با بلوغ بلکه با تصدیق و تحمل تفاوت‌های ارزشی و دیدگاه‌های متفاوت مرتبط می‌دانند (دیتمن کولی و بالتز، ۱۹۹۰؛ یانگ، ۲۰۱۴). بر اساس تجربیات غنی بشر، خردمندی عملی مستلزم

(۲۰۰۲؛ ۲۰۰۵) در زمینه‌ی تعریف و اندازه‌گیری خرد از نظر خرد تحلیلی (دانش و استدلال انتزاعی) و خرد ترکیبی (همدلی عاطفی و تنظیم هیجانی) نشان دادند که افراد مسن یا سالمند (با متوسط سن ۷۰ سال) نسبت به افراد میانسال (با متوسط سن ۴۵ سال) در یک نمونه از شرکت کنندگان آمریکایی و ژاپنی تمایل به کسب نمرات بالاتری از خرد داشتند. از اینرو خرد می‌تواند با سن افزایش یابد، اما این چنین رشد شخصی نیاز به انگیزه، اراده، خودسنجی و انواع تجربه‌ها برای پیشرفت خرد دارد (استادینگر و کونزمن، ۲۰۰۵).

اغلب گفته می‌شود که خردمندی با افزایش سن در افرادی که ظرفیت توسعه‌ی آن را دارند، افزایش می‌یابد، تنها به این دلیل که مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا افراد تجربیات را کسب کرده و از آن‌ها استفاده کنند. خردمندی افراد سالمند تأثیرات بسیار زیادی دارد، چرا که نشان می‌دهد چه روشی را برای زندگی کردن انتخاب کرده‌اند (ادموندسون، ۲۰۰۵). توانمندی خردمندی در معنا بخشیدن به زندگی است - هم برای فرد خردمند و هم برای دیگران - که آن را مهم جلوه می‌دهد. اگر نتوانیم دیگران را به چنین امری تشویق کنیم، سالمندان و خودمان را محروم ساخته‌ایم. برای نمونه، فردی سالمند در غرب ایرلند می‌گفت که یکی از دوستانم، که هم سن و سال من است، به حالت مسخره می‌گوید: «هرچه پیرتر می‌شویم خردمندتر می‌شویم، اما به نظر می‌رسد که دیگر به آن نیاز نداشته باشیم.» (ادموندسون، ۲۰۰۵)

با توجه به این که افراد سالمند (افراد پیری که از سلامت نسبی برخوردار هستند) به دلیل سال‌ها زندگی، با تجربه‌های مختلفی در زندگی روبه‌رو شده‌اند و با عبرت‌گیری از اشتباهاتی که در دوران نوجوانی و جوانی مرتکب شده‌اند، برای حل مسائل در پیش رو، شیوه‌های مناسبی ارائه می‌دهند و مسایل را از زوایه‌های گوناگون سنجش و ارزیابی می‌کنند، می‌توان از خرد و ویژگی‌های خردمندانه‌ی افراد سالمند و دیدگاه‌های آنان در مسائل تربیتی (در زمینه‌ی روان‌شناسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی) سود برد. زیرا بررسی مفهوم خرد (مبنی بر این که چه تأثیراتی بر جریان زندگی می‌گذارد) افزون بر این که به درک ما از معنای خردمندی به طور کلی و مشخصاً «خردمندی در دوران سالمندی» کمک می‌کند (ادموندسون، ۲۰۰۵)، امکان شناخت و

خردمند مصاحبه کردند و نتایج نشان داد که شرکت کنندگان بیشتر رهبر بودن، داشتن معنویت و بینش را به عنوان ویژگی‌های خردمندان برشمردند. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کسب خرد نیاز به آموختن زندگی خود از طریق تجربه‌های شخصی دارد که به احتمال زیاد زمان زیادی را در برمی‌گیرد (براگمن، ۲۰۰۶). افراد خردمند همچنین می‌توانند باهوش و آگاه باشند، اما خرد معمولاً در افراد سالمند دیده می‌شود در حالی که دانش و هوش در سنین جوانی به چشم می‌خورد (آردلت، ۲۰۰۸). در پژوهشی برخی از شرکت‌کنندگان این گونه بیان کردند که خرد با سن بهتر درک می‌شود. صرفاً بر اساس این فرض که تجربه‌ها با سن می‌آیند به گونه‌ای که خردمندی در زندگی کردن برای مدتی زیاد به دست می‌آید. آن‌ها همچنین بیان کردند که افراد خردمند بالغ‌تر و مسن‌تر هستند که توانسته‌اند بیش‌تر زندگی کنند. افزون بر این، یکی از شرکت‌کنندگان این گونه بیان می‌کند: «من زمانی که یک فرد خردمند را تصور می‌کنم بلافاصله به یک فرد مسن و پیر نگاه می‌کنم، به نحوی که کم‌تر از ۷۰ سال ندارد» (آردلت، ۲۰۰۸). در بسیاری از جوامع سنتی افراد سالمند به خاطر خرد مورد ستایش و احترام بودند (آسمنن، ۱۹۹۴). افراد خردمند به احتمال زیاد مسن‌تر هستند. بنابراین، این دیدگاه‌ها با نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی در زمینه‌ی پیشرفت خرد تطابق دارند (آردلت، ۲۰۰۴). از این‌رو، اگرچه ممکن است روان‌شناسان در زمینه‌ی ماهیت رابطه‌ی خرد با سن اختلاف نظر داشته باشند، اما این رابطه به عنوان یک مفهوم اجتماعی پابرجاست (بالاک و گلاک، ۲۰۰۵). به گونه‌ای که نظریه‌پردازان شناختی پیری (سالمندی) معتقد هستند که رشد و حداقل ثبات و پایداری در خرد با سن همبستگی دارند (اسمیت، دیکسون، بالتز، ۱۹۸۹). رابطه‌ی بین خرد و سن به طور بالقوه تا زمانی مثبت است که افراد به یادگیری از تجربه‌ها تمایل داشته باشند و آن‌ها را برای آزمون خود و خود اندیشی به کارگیرند (کرامر، ۱۹۹۰). بسیاری از مردم خرد را به سن نسبت می‌دهند، درحالی که پیشرفت خرد بر اساس تجربیات زندگی است، زیرا بسیاری از افرادی که مسن هستند خردمند نیستند (آردلت، ۲۰۰۸، ۲۰۱۲). بنابراین اغلب پژوهشگران خرد موافقت کرده‌اند که خرد به طور خودکار با سن افزایش پیدا نمی‌کند و حتی وجود آن در افراد مسن نسبتاً نادر است (آردلت، ۱۹۹۷؛ بالتز و فروند، ۲۰۰۳؛ وبستر، ۲۰۰۳). با این حال، تاکاشی و اورتون

به این که شناخت دیدگاه‌های مردم عادی (استرنبرگ و لوبارت، ۲۰۰۱؛ گلاک و بلاک، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱) به ویژه سالمندان در مورد مفهوم خرد و خردمند به دلیل تأکید بر بهینه ساختن و تحول فرهنگی و یکپارچه ساختن شناخت، هیجان‌ها و فرایندهای انگیزشی (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱) در جهت مدیریت صحیح زندگی و سلامت روان افراد جامعه ضرورت و اهمیت دارد، این پژوهش به دنبال بررسی این مسأله است که افراد سالمند (پیر) در مورد خرد و خردمندی چگونه می‌اندیشند.

## روش

### طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از تحلیل محتوای آشکار انجام شده است. رویکرد کیفی تلاشی است جهت توصیف غیر کمی از موقعیت‌ها، حوادث و تلاشی برای ارائه‌ی تعبیر و تفسیر معانی مورد نظر انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی. در روش کیفی، نوعی نگاه امیک<sup>۱</sup> (نگاه درون) به پدیده‌ها وجود دارد. در این حالت مقولات فکری گروه مورد پژوهش برای توصیف نگرش‌ها و رفتارهایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد و توجه به تجربه و شرح آن از خصوصیات محوری پژوهش کیفی است (علی احمدی و نهایی، ۱۳۸۶). از این رو پژوهش حاضر برای دستیابی به این مزیت روش کیفی با استفاده از رویکرد کیفی صورت گرفته و داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته مورد بررسی قرار گرفتند. زیرا بر اساس چارچوب‌های نظری موجود یکی از دلایل استفاده از روش کیفی برای مطالعه دیدگاه سالمندان (نظریه‌های ضمنی) در مورد خرد این است که نظریه‌های ضمنی سازه‌های عقلانی هستند که در ذهن افراد وجود دارند و از طریق پرسش (در قالب مصاحبه) قابل استخراج هستند (استرنبرگ و لوبارت، ۲۰۰۱). جامعه‌ی مورد نظر در این پژوهش، شامل کلیه سالمندان شهر همدان بود. از آنجا که حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی دارای میزان و تعداد مشخصی نیست و تعداد نمونه بر اساس میزان اطلاعات به دست آمده و به حد اشباع رسیدن اطلاعات تعیین می‌شود. طبق یک تعریف، زمانی که تمام منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار بگذارند به اشباع رسیده‌ایم. یک معیار برای کشف رسیدن به اشباع، تکرار داده‌های قبلی است به طوری که

بهره‌گیری از ویژگی‌های افراد خردمند - صبوری یا بینش اخلاقی - و همچنین فرایندهای اجتماعی آنها را فراهم می‌کند. یکی از مسائلی که از زمان شروع پژوهش‌های روان‌شناسی در مورد خرد از سال ۱۹۷۰ (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱) مورد توجه واقع شده است «نظریه‌های ضمنی خرد» است. درک این مسأله که خردمندی چیست و چگونه می‌توان آن را تعریف کرد از موضوعات بسیار مهم پژوهشی است که با رویکرد ضمنی همراه بوده است. در رویکرد ضمنی به خرد دیدگاه‌های مردم عادی (باسود و بی‌سواد) در مورد خرد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نظریه‌های ضمنی، سازه‌های عقلانی هستند که در ذهن افراد وجود دارند که از طریق پرسش قابل استخراج هستند و در رفتار افراد آشکار می‌شوند. بنابراین هدف نظریه‌های ضمنی ارائه‌ی توصیفی از مفاهیم است، که با توجه به دیدگاه مردم عادی صحیح می‌باشد (استرنبرگ و لوبارت، ۲۰۰۱). نظریه‌های ضمنی خرد این موضوع را که مردم چگونه خرد را تعریف می‌کنند و چه کسانی را خردمند می‌دانند مورد مطالعه قرار می‌دهند. دیدگاه مردم در مورد اینکه خردمند کیست ممکن است شامل افراد مشهوری باشد که در تلویزیون و رسانه‌ها مطرح می‌شوند یا افراد غیر معروفی چون خانواده و دوستان که با آنها ارتباط نزدیک دارند. کاربرد نظریه‌های ضمنی خرد در زندگی روزمره نهفته است. آنها لنزهایی هستند که از طریق آن، افراد دیگران و خودشان را در دوره‌ای از زندگی به عنوان خردمند در نظر می‌گیرند (استرنبرگ، ۱۹۸۵، نقل از گلاک، بلاک، و بارون، ۲۰۰۵). دیدگاه مردم در مورد خرد به بافت کنونی زندگی‌شان و کارهای توسعه یافته مربوط می‌شود (گلاک و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین یکی از دلایل انجام این پژوهش مطالعه‌ی دیدگاه‌های (نظریه‌های ضمنی) افراد سالمند در مورد خرد است.

مطالعه‌ی خرد در روان‌شناسی به تازگی آغاز شده است. با پیدایش نهضت روان‌شناسی مثبت، علاقه‌مندی به مفهوم خرد رو به افزایش است. افراد سالمند به دلیل سال‌ها زندگی با تجربه‌های متفاوتی مواجه بوده‌اند و خرد را از زاویه‌های گوناگون در نظر می‌گیرند، بنابراین شناخت و به کارگیری دیدگاه‌های (نظریه‌های ضمنی) آنها می‌تواند در جهت بهبود سلامت روانی و اجتماعی افراد جامعه در برخورد با رویدادهای مختلف زندگی کارساز باشد. با توجه

<sup>1</sup> emic

اندیشمندان از مفاهیمی شبیه تحقیقات کمی استفاده کرده‌اند (ایمان، ۱۳۸۸). در تحقیقات کیفی، وسیله‌ی اندازه‌گیری خود محققان هستند؛ پس در اعتبار آنان نیز باید مهارت، دقت و صلاحیت‌شان در نظر گرفته شود (ایمان، ۱۳۸۸). برای حصول اطمینان از اعتبار تجزیه و تحلیل نتایج، اقدامات مختلفی صورت گرفت. به این صورت که اولاً بعد از پیاده‌سازی اولیه، کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده به وسیله‌ی چند محقق صورت گرفت و اختلافات موجود شناسایی و رفع، و این مقولات توسط همکاران ناظر پژوهش ارزیابی و تأیید می‌شد و ثانیاً مقولات و زیر مقولات استخراج شده و نهایی با برخی از افراد مصاحبه شده در پژوهش در میان گذاشته شده و دیدگاه‌های آنها مورد بررسی قرار گرفته و تأیید نهایی می‌شدند.

به عبارتی دیگر، برای تعیین پایایی از روش بازبینی توسط همکاران و نیز توسط خود محقق استفاده شد. به این صورت که مصاحبه‌های ضبط شده و متن پیاده شده، توسط محقق به چند نفر از افراد صاحب نظر داده شد تا مورد بررسی قرار گیرد و نیز پس از تجزیه و تحلیل، داده‌ها توسط همکاران و خود پژوهشگر مورد بررسی مجدد قرار گرفت. این روش بر اساس ملاک‌های لینکلن و گوبا (محسن‌پور، ۱۳۹۰) انجام شد. این روش دارای مؤلفه‌هایی است که در ادامه توضیح داده شده است. ۱- درگیری طولانی مدت: بر این اساس پژوهشگر با شرکت‌کنندگان در پژوهش ارتباط مناسب برقرار کرده و درگیر پژوهش می‌شد به نحوی که پژوهشگر به مدت سه ماه در تابستان ۱۳۹۴ با مشارکت کنندگان در ارتباط بودند. ۲- بازبینی توسط همکاران: تعامل بین پژوهشگر و سایر افرادی است که در زمینه‌ی روش‌های پژوهش تجربه دارند (برای نمونه همکاران پژوهش). ۳- بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان: مراجعه مجدد به مشارکت کنندگان جهت تأیید یافته‌های مطالعه، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان نامیده می‌شود. بر همین اساس پژوهشگر از برخی از مشارکت‌کنندگان خواست تا با تجربیات و تکمیل گفته‌های خود، دقت نظرات خود را تأیید کنند. ۴- مثلث سازی محقق: با توجه به این روش، استاد راهنما سه پژوهشگر را برای جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل یا تفسیر داده به کار گرفت.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای آشکار برای استخراج مؤلفه‌ها استفاده شد. تحلیل محتوای

پژوهشگر مرتباً با داده‌هایی مواجه می‌شود که تکرار می‌شوند. به طور مثال زمانی که در مصاحبه‌های در حال انجام پژوهشگر حرف‌ها و نظرات مشابهی را به طور مکرر می‌شنود، می‌تواند حدس بزند که به اشباع داده‌ها دست یافته است (گریدی، ۱۹۹۸). از این رو شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۳۷ (۳۱ مرد و ۶ زن) سالمند بودند که براساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و دامنه‌ی سنی آنها بین ۶۰ تا ۸۱ سال قرار داشت. تحصیلات افراد شرکت کننده به این صورت بود که ۶ نفر بی‌سواد، ۱۲ نفر ششم ابتدایی، ۱۵ نفر در سطح دیپلم و ۴ نفر در سطح کارشناسی در مطالعه حضور داشتند. همچنین شغل شرکت کنندگان بدین ترتیب بود که ۱۹ نفر کارمند بازنشسته، ۱۳ نفر دارای شغل آزاد و ۵ نفر (زن) خانه‌دار در مطالعه حضور داشتند.

#### ابزار

مصاحبه با افراد شرکت‌کننده به صورت گفت‌گویی مستقیم انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته استفاده شد. سوالات مصاحبه از فرم مصاحبه‌ی خرد (فراری، ۲۰۱۳) اقتباس و ترجمه شد. روایی صوری سوالات ترجمه شده به کمک ۳ نفر از اساتید روان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا مورد تأیید قرار گرفت.

بخشی از سوالات مصاحبه عبارت بودند از: (۱) ابتدا می‌خواهم از خود شما شروع کنم. می‌توانید راجع به خودتان و داستان زندگی‌تان (رویدادهای مهم زندگی) برایم بگویید، (۲) از شما تقاضا می‌کنم که یک دقیقه در مورد خردمندترین شخصی که در زندگی‌تان می‌شناسید، فکر کنید (این شخص کیست؟ چه ویژگی‌هایی این شخص را خردمند کرده است؟)، (۳) خرد چیست؟ به نظر شما معنای خرد را چطور می‌توان توضیح داد؟

#### روش اجرا

زمان انجام مصاحبه با هر فرد به صورت توافقی مشخص می‌شد و مصاحبه با هر فرد ضبط و سپس به صورت مکتوب نوشته می‌شد. مدت مصاحبه از ۴۵ دقیقه تا یک ساعت متغیر بود. پس از اتمام هر مصاحبه، پژوهشگر و همکارش دو بار به آن گوش دادند و پس از آن متن مکالمات به صورت کتبی درآمد. در ارزیابی اعتبار و پایایی تحقیقات کیفی اگرچه بر اصول پارادایمی حاکم بر تحقیقات اتفاق نظر وجود دارد ولی در ارزیابی عملی و به کارگیری مفاهیم مربوط به آن، اتفاق نظری نیست و برخی

«همدلی/حمایت» شکل گرفت. سایر مؤلفه‌ها به همین شیوه به دست آمدند و برای نمایش بهتر، نتایج در قالب جداول ارائه شدند. سپس برای تعیین میزان توافق کدگذاران، ضریب کاپا محاسبه شد. اندازه‌ی توافق کاپا  $0/73$  با سطح معنی‌داری  $P < 0/001$  به دست آمد که بر اساس نظر پیت (۲۰۰۱، نقل از شریفی و شریفی، ۱۳۸۷) یک توافق خوب محسوب می‌شود.

### یافته‌ها

نتایج نشان داد که ۳۵ نفر از افراد شرکت‌کننده مهم‌ترین ویژگی خردمندی را «خدمت کردن» به معنی خدمت به خود و دیگران، کمک کردن مادی، معنوی، علمی، راهنمایی و هدایت کردن می‌دانند. همچنین آنها بیان کردند عامل مهمی که در خردمند شدن نقش مهمی ایفا می‌کند ناشی از ایمان به خدا، عنایت خداوند و تربیت خانوادگی است. افزون بر این نتایج نشان داد که ۲۹ نفر از افراد شرکت‌کننده شخصیت‌های مذهبی/رهبری را به عنوان خردمند در طول تاریخ معرفی کردند و ۹ نفر دیگر شخصیت‌های علمی را بیان کردند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که افراد شرکت‌کننده ویژگی‌های شخصیتی (از قبیل تحمل سختی‌ها، از خود گذشتگی، سازگارشدن با رویدادهای زندگی، مقاوم بودن در برابر دشواری‌ها، تلاش و فعالیت زیاد) و دینداری (توکل بر خدا، رضای خدا را در نظر داشتن، شاکر خدا بودن، ایمان به خدا) را از جمله عوامل فایده‌آمیز بر مشکلات زندگی خود می‌دانند. در این میان ۲۸ نفر از افراد شرکت‌کننده از میان عوامل شخصیتی «صبر، تحمل و تلاش برای زندگی» و ۱۲ نفر دیگر «شاکر خدا بودن و رضای او را در نظر گرفتن توکل بر خدا یا دینداری» را مهم‌ترین عامل موفق شدن در مشکلات زندگی بیان کردند.

آشکار به آن بخش از تحلیل که به توصیف جنبه‌های مشاهده‌پذیر و جزئیات ملموس محتوا می‌پردازد گفته می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). روش تحلیل داده‌ها به این صورت بود که اطلاعات مورد نیاز به دست آمده از مصاحبه‌های ضبط شده در برگه‌ی ثبت اطلاعات به صورت نوشتاری ثبت شدند. کدگذاری در ۳ مرحله انجام شد. (۱) کدگذاری باز<sup>۱</sup> (شامل خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات و طبقات اولیه)، (۲) کدگذاری محوری<sup>۲</sup> (شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیر طبقات، تشکیل طبقات نهایی)، و (۳) کدگذاری انتخابی<sup>۳</sup> (یکپارچه کردن مقولات برای ساخت نظری) (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). به عبارتی دیگر مرحله‌ی کدگذاری شامل خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات طبقات اولیه و شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیر طبقات، تشکیل طبقات نهایی بود. در ابتدا و در قالب مرحله کدگذاری باز، به هر مفهوم موجود در مصاحبه یک برچسب داده می‌شد و بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد هر مفهوم، تعداد زیادی کدهای باز و خام پدیدار شدند. در ادامه و در مرحله‌ی کدگذاری محوری، هر تعداد از کدهایی که به لحاظ مفهوم و خصایص مرتبط بودند، گردآوری شده و به محوریت یک مقوله سازماندهی شدند. بدین ترتیب پس از فرایند خرد کردن مصاحبه‌ها به کدها و زیرمقوله‌ها در کدگذاری باز، در این مرحله (کدگذاری محوری) به مرتبط کردن و دسته بندی آنها حول محور موضوعات اصلی پرداخته شد. کدگذاری انتخابی نیز با استفاده از انتخاب مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مضمون اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. این مرحله با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها، به منظور پدیداری مقوله‌ی اصلی و نظریه انجام می‌شود. در کدگذاری انتخابی تلاش می‌شود انتخاب مقوله‌ها به گونه‌ای صورت پذیرد که مقوله‌ی اصلی استخراج شده، عمده‌ی مفاهیم پدیدآمده در مراحل قبل را پوشش دهد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸)

برای نمونه از ترکیب کدهای «کمک کردن به افراد»، «هدایت کردن دیگران»، «راهنمایی کردن»، «از خود گذشتگی»، «به فکر دیگران بودن» مؤلفه‌ی کلی

<sup>1</sup> open coding

<sup>2</sup> axial coding

<sup>3</sup> selective coding

## جدول ۱

مؤلفه‌های استخراج شده از مفهوم خرد از نگاه سالمندان

ویژگی‌های شخصیتی	شناخت/ علم	همدلی همدلی/ حمایت	دینداری
خوب رفتار کردن، احترام به دیگران، صبور بودن، بزرگ منشی، اهل تلاش، تعصب به جا و مناسب، عبرت گرفتن از تجارب زندگی و سختی‌ها	عقل و معرفت، آگاهی و علم، تفکر، درایت داشتن، فهم خوب، دور اندیشی، منطقی بودن، دانایی و سواد علمی داشتن، فکر و اندیشه	کمک کردن به افراد، هدایت کردن دیگران، راهنمایی کردن، از خود گذشتگی، به فکر دیگران بودن، خیرخواه بودن، مردم داری کردن، رسیدگی به مردم، محبت داشتن، تلاش برای رفاه دیگران	مؤمن بودن، خداپرست، اهل نماز و زکات دادن، امر به معروف و نهی از منکر، خدانشناس، انجام کارهای مورد پسند خدا، قرآن خواندن، باتقوا بودن، اخلاص داشتن، حمد و ثنای خدا را به جا آوردن، مطیع اوامر الهی، شاکر خدا بودن، ترس از آخرت، به خواست خدا تن دادن، خدا را ناظر کارها دانستن، اعتقاد پاک به خدا

## جدول ۲

بخش‌هایی از مصاحبه در مورد مؤلفه‌های استخراج شده

## دینداری

- ۱- خردمند همان کسی است که بالاخره، اخلاص داشته باشد. افراد خردمند افرادی هستند که بالاخره باتقوا هستند. خردمند آن است که برود جلسه قرآن بگذارد، نماز جماعت شرکت کند، پیش مجتهد بایستد، پیش عالم بنشیند تا چیزی که خودش می‌گوید ... تا از کس دیگر یاد بگیرد از عالم یاد بگیرد بشود خردمند. خرد یک اقیانوس است و مردم همه کاسه به دست هر کس می‌تواند به اندازه خودش از اقیانوس برداشت کند، از اقیانوس خرد برداشت کند، خرد اصلاً خداست، خرد از خداست، از نام خداست چون هر چه خرد هست از خداست (مرد، ۶۳ سال، ششم ابتدایی، کارمند بازنشسته اداره مخابرات)
- ۲- خرد نماز است، قرآن است. معلوم است دیگر نماز بخوانی، عبادت کنی، به نامحرم نگاه نکنی، دزدی نکنی اینها همه از خرد، از نامحرم پرهیز کنی (زن، ۶۹ سال، بی‌سواد، خانه‌دار)

## همدلی/ حمایت

- ۱- خرد یعنی مردم‌داری، به مردم رسیدن، به یک نفر برسی به یک نفر کمک کنی، اگر یک نفر افتاد زمین بلندش کنی، برای افراد یار باشی. (مرد، ۷۲ سال، ششم ابتدایی قدیم، کارمند بازنشسته)
- ۲- خرد این است که پیش قدم شوی مثلاً مردم را ترغیب کنی برای خیرخواهی و دست مستضعف را گرفتن، مسجد ساختن، راه ساختن. (مرد، ۷۳ سال، ششم ابتدایی، کارمند بازنشسته آموزش و پرورش)

## شناخت / علم

- ۱- خرد از نظر لغوی یعنی آگاهی، درایت، اصطلاح خوب فهمی. افرادی آگاه هستند، دانا هستند، عالم هستند. خرد: عقل، شعور، فهم، درک، انسانیت، فهم، همه چیز ... که انسان اگر عقل داشته باشد، خرد داشته باشد و واقعاً هر چیزی که آرزو دارد به آن می‌رسد. (مرد، ۶۰ سال، کارشناسی، دبیر بازنشسته)
- ۲- انسان با تمام عظمتی که در خلقت و مقام و جایگاه او نهفته است از حیث راهبری و کشش درونی به سوی کمال مطلوب به اصطلاح ضعیف‌ترین موجود است انسان، لذا خداوند عقل را به عنوان چراغ هدایت به ودیعه در وجود انسان قرار داد تا هدایت شود، ولی با تمام ارزشی که عقل دارد و بسیاری از زمینه‌های هدایت به اصطلاح تا کارآمد و ناتوان است اگر خداوند انسان را برای کمال و سعادت آفریده با کمک عقل و عمل به دستور دین می‌تواند از لغزش‌ها و مشکلات به مسیر کمال قدم بردارد. عقل و خرد حکم می‌کند که انسان برای جلب منفعت کلیدی و دفع خطر فهم باید از دعوت پیامبران استفاده نماید. مثلاً در عدم تحریف قرآن کریم باید از دعوت پیامبران استفاده نماید. خرد همان قوه عقلانی است که هر شخصی را از انجام اعمال بد باز می‌دارد و به انجام کارهای خوب تشویق و راهنمایی می‌کند، افراد خردمند در زندگی خود کمتر اشتباه می‌کنند و شاید هم هیچگاه اشتباه نکنند. (مرد، ۶۶ سال، دیپلم، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش)

## ویژگی‌های شخصیتی

- ۱- خرد یعنی توانایی، یعنی انسان تلاش بکند، زحمت بکشد. فردی خردمند است که تلاش کرده، زحمت کشیده و پشتوانه داشته، شب نخوابی کشیده. برخوردار خوب داشتن با دیگران، خرد همان بزرگی، خرد همان شخصیت، خرد به معنای تلاش و سعی در موفق بودن. سختی‌ها را تحمل کرده، صبر داشته. (مرد، ۶۰ سال، دیپلم، دبیر بازنشسته)
- ۲- کسی که دست و دل باز باشد و به دیگران احترام بگذارد و صبور باشد، مثلاً با اخلاق بد همسرش سازگار باشد و تحمل کند. (زن، ۷۰ سال، بی‌سواد، خانه‌دار)

شخصیت به مرور زمان با نهادینه شدن در رفتار افراد، منجر به سازگار شدن با رویدادهای زندگی می‌شوند.

**همدلی/حمایت:** همدلی و حمایت به عنوان دومین شکل به دست آمده از مفهوم خرد به درک احساسات و دیدگاه دیگران (همدلی) و پشتیبانی، راهنمایی و هدایت یا به طور کلی دادن مشاوره و کمک کردن به آنها (حمایت) اشاره دارد.

**شناخت/علم:** این شکل از مفهوم خرد به تفکر و اندیشه کردن (شناخت) افراد در مورد امور زندگی و تجربه کسب کردن و مشاهده‌ی پدیده‌ها (علم) اشاره دارد. عامل شناخت، بعد مهمی از خرد به شمار می‌رود. زیرا شناخت رویدادها منجر به کسب علم و در نهایت خرد می‌شود. به گونه‌ای که کسب علم، خرد را افزایش می‌دهد.

**ویژگی‌های شخصیتی:** یکی دیگر از شکل‌های به دست آمده از مفهوم خرد در دوره‌ی سالمندی، شخصیت نام دارد. ویژگی‌های شخصیتی از قبیل (احترام گذاشتن به دیگران، بخشش، تلاش کردن، صبور بودن و تحمل دشواری‌ها) به رشد خردمندی افراد کمک می‌کند به گونه‌ای که به عنوان یک عامل محرک افراد را در طی زمان و سال‌ها زندگی به سوی خردمند شدن ترغیب می‌کند. زیرا این ویژگی‌های شخصیت به مرور زمان با نهادینه شدن در رفتار افراد، منجر به سازگار شدن با رویدادهای زندگی می‌شوند.

## بحث و نتیجه‌گیری

به طور معمول، خرد به عنوان یکی از والاترین اهداف زندگی بشر در نظر گرفته می‌شود. خردمندی به عنوان دانشی عملی از ظرفیت‌های متعدد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی بهره می‌گیرد. دستیابی به مفهوم خردمندی می‌تواند تسلی دهنده‌ی دردهای دوره سالمندی باشد. افراد سالمند می‌توانند ظرفیت‌های بینشی داشته باشند که به ندرت در جوان‌ترها دیده می‌شود، که این امر به نوبه‌ی خود می‌تواند نیرو و معنای افزاینده‌ای به زندگی شخصی‌شان

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها (در مورد خرد در دوران سالمندی)، ۴ شکل (مؤلفه) مختلف از مفهوم خرد به دست آمده است که به شرح زیر است:

**دینداری:** نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین بعد خرد از نگاه افراد سالمند، دینداری است، عامل دینداری به عنوان یکی از شکل‌های (مؤلفه‌های) خرد به پرستش و پیروی از خداوند یکتا به طور کلی به بندگی و عبودیت (خرد معنوی) اشاره دارد.

**همدلی/حمایت:** همدلی و حمایت به عنوان دومین شکل به دست آمده از مفهوم خرد به درک احساسات و دیدگاه دیگران (همدلی) و پشتیبانی، راهنمایی و هدایت یا به طور کلی دادن مشاوره و کمک کردن به آنها (حمایت) اشاره دارد.

**همدلی/حمایت:** همدلی و حمایت به عنوان دومین شکل به دست آمده از مفهوم خرد به درک احساسات و دیدگاه دیگران (همدلی) و پشتیبانی، راهنمایی و هدایت یا به طور کلی دادن مشاوره و کمک کردن به آنها (حمایت) اشاره دارد.

**شناخت/علم:** این شکل از مفهوم خرد به تفکر و اندیشه کردن (شناخت) افراد در مورد امور زندگی و تجربه کسب کردن و مشاهده‌ی پدیده‌ها (علم) اشاره دارد. عامل شناخت، بعد مهمی از خرد به شمار می‌رود. زیرا شناخت رویدادها منجر به کسب علم و در نهایت خرد می‌شود. به گونه‌ای که کسب علم، خرد را افزایش می‌دهد.

**ویژگی‌های شخصیتی:** یکی دیگر از شکل‌های به دست آمده از مفهوم خرد در دوره‌ی سالمندی، شخصیت نام دارد. ویژگی‌های شخصیتی از قبیل (احترام گذاشتن به دیگران، بخشش، تلاش کردن، صبور بودن و تحمل دشواری‌ها) به رشد خردمندی افراد کمک می‌کند به گونه‌ای که به عنوان یک عامل محرک افراد را در طی زمان و سال‌ها زندگی به سوی خردمند شدن ترغیب می‌کند. زیرا این ویژگی‌های



(۲۰۱۳) در مورد انسجام شناختی به عنوان بعدی از مفهوم خرد همخوانی دارد. افزون بر این، مؤلفه‌ی شخصیت، به عنوان بعدی از خرد به دست آمده در این پژوهش با دیدگاه اریکسون و همکاران (۱۹۸۶) همخوانی دارد. اما با توجه مؤلفه‌ی دینداری، می‌توان بیان کرد که فرهنگ دینی عامل مهمی برای خردمند شدن است. برخی از پژوهش‌ها برای نمونه، پالپوس و همکاران (۲۰۰۲) اشاره کرده‌اند که بیش‌تر افراد شرکت‌کننده رهبران مذهبی را به عنوان خردمند معرفی می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که افراد با معرفی شخصیت‌های مذهبی، یکی از دلایل خردمندی را دیندار بودن افراد می‌دانند. بنابراین با بررسی این یافته‌ها مشاهده می‌شود که یکی از مؤلفه‌های خرد باید دینداری باشد، زیرا با بررسی تاریخ زندگی مشاهده می‌شود که در هر فرهنگ و جامعه‌ای در بین افراد آن جامعه گرایش‌های دینی و آیین دینی وجود داشته است و این امر گرایش فطری انسان‌ها به دین را نشان می‌دهد که بر این اساس می‌توان گفت که یکی از بعدهای مهم خرد و خردمند شدن دینداری است. زیرا افراد به هنگام بیان دیدگاه‌های خود در مورد خرد و خردمندی به عامل مذهب و دینداری در کنار سایر عوامل اشاره می‌کنند. همچنین نتایج این پژوهش بیانگر آن است که همه افرادی که به عنوان خردمند از سوی شرکت‌کنندگان سالمند معرفی شده‌اند پیر و کهنسال هستند. این یافته نشان می‌دهد که با افزایش سن خردمندی افراد افزایش می‌یابد که با پژوهش ادموندسون (۲۰۰۵) همخوانی دارد، اما نمی‌توان افزایش سن را عاملی دانست که به طور خودکار خردمندی را افزایش می‌دهد (آردلت، ۱۹۹۷، ۲۰۱۲). زیرا افزایش سن زمانی خردمندی را بالا می‌برد که افراد در طول سال‌ها زندگی تجربه‌های زیادی کسب کرده باشند (برای نمونه یکی از شرکت‌کنندگان سالمند می‌گوید: خرد چیزی است که انسان در طول زندگی به آن مقام می‌رسد). از این رو، افراد سالمند به دلیل کسب تجربه‌های مختلف در زندگی می‌توانند در موقعیت‌های مختلف زندگی به شیوه‌ی مناسب تصمیم‌گیری کنند به گونه‌ای که می‌توان برای اداره‌ی زندگی و جامعه از مشورت کردن با آنها سود برد. زیرا سالمندان روش‌های بهتری برای حل رویدادها به خاطر کسب تجربه‌های مختلف دارند. بنابراین می‌توان بیان کرد که دیدگاه سالمندان در مورد خرد و خردمندی

داده و منبعی خاص برای دیگر افراد جامعه فراهم کند. در نتیجه، تکریم سالمندان لزوماً به سازمان‌های خیریه محدود نمی‌شود، بلکه به توانایی آنها در بهبود زندگی اجتماعی نیز مربوط می‌شود (ادموندسون، ۲۰۰۵).

از این رو، این پژوهش با روش توصیفی (از نوع تحلیل محتوا) به بررسی مفهوم خرد در دوره‌ی سالمندی پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین ویژگی خردمند بودن شخصیت‌های تاریخی، «خدمت کردن» است. بر این اساس خدمت کردن شامل بعد فردی و اجتماعی است. یعنی افراد در بعد فردی به رشد (روانی، معنوی، تعالی و شکوفایی) خود کمک و خدمت می‌کنند و از سوی دیگر در سطح اجتماع راهنمای جامعه هستند و به رشد دیگران در همه‌ی ابعاد زندگی خدمت می‌کنند. از این رو می‌توان گفت که احتمالاً عامل خدمت کردن به طور کلی بعد معنوی و روانی-اجتماعی خرد را شامل می‌شود. همچنین نتایج بیانگر آن بود که عامل مؤثر در خردمند شدن ایمان به خدا و تربیت خانوادگی است. که بر این اساس می‌توان گفت تربیت درست و متعادل از سوی خانواده‌ها (به ویژه تربیت دینی) می‌تواند راهنمای افراد در طول زندگی برای مواجه شدن با رویدادها باشد. به گونه‌ای که در برخورد با رویدادهای تلخ زندگی، صبر، تلاش، سازگاری و برخورد عاقلانه افراد با مسائل را افزایش می‌دهد و به آنها کمک می‌کند که بهترین راه حل ممکن را به کار ببندند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که افراد شرکت‌کننده بیش‌تر شخصیت‌های مذهبی را به عنوان خردمند معرفی می‌کنند. که با نتایج حاصل از پژوهش پالپوس و همکاران (۲۰۰۲) همخوانی دارد. شاید یکی از دلایل این امر ناشی از نوع نگاه افراد نسبت به خرد و تأثیر فرهنگ دینی باشد به گونه‌ای که غالب افراد شرکت‌کننده زمانی که در مورد خرد بحث می‌کنند عامل دینداری را مطرح می‌کنند. زیرا از نظر آنها دینداری تمام ابعاد خرد (شخصیت، شناخت و علم، خدمت) است. این عامل بیانگر ارتباط معنویت با حوزه‌ی خرد در حال ظهور است (لی و لوینسون، ۲۰۰۵؛ روچ، ۲۰۰۸؛ یانگ، ۲۰۱۴).

بر این اساس می‌توان گفت مؤلفه‌ی شناخت/علم و همدلی/حمایت، به دست آمده از خرد دوره‌ی سالمندی با دیدگاه آردلت (۲۰۰۳؛ کانینگ و گلاک، ۲۰۱۲) در مورد مؤلفه‌های شناختی و عاطفی خرد و همچنین با نظر یانگ

- (Vol. 12, pp. 187-224). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Baltes, P. & Staudinger, U. M. (2000). Wisdom: a metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence. *American Psychologist*, 55, 122-136.
- Baltes, P. B., & Freund, A. M. (2003). The intermarriage of wisdom and selective optimization with compensation: Two metaheuristics guiding the conduct of life. In Keyes, Corey L. M., & Haidt, Jonathan (Eds.), *Flourishing: Positive psychology and the life well lived* (pp. 249-273).
- Bangen, K., Meeks, T., & Jeste, D. (2013). Defining and assessing wisdom: A review of the literature. *American Journal of Geriatric Psychiatry*, 21(12), 1254-1266.
- Bluck, S., & Gluck, J. (2005). From the inside out: people's implicit theories of wisdom. In R. J. Sternberg, & J. Jordan, (Eds.), *A Handbook of Wisdom: Psychological perspectives* (pp. 84-109). New York: Cambridge Univ. Press.
- Brugman, G. M. (2006). Wisdom and aging. In J. E. Birren & K. W. Schaie (Eds.), *Handbook of the psychology of aging* (6th ed., pp.445-476). Amsterdam, Netherlands: Academic Press.
- Brezina, I. & Ritomský, A. (2010). Opinions of Culturally Diverse Sample of Asians on Wisdom. *Sociológia* 42, 12-18.
- Dittman-Kohli, F., & Baltes, P. B. (1990). Toward a neofunctionalist conception of adult intellectual development: Wisdom as a prototypical case of intellectual growth. In C. Alexander, & E. Langer (Eds.), *Higher Stages of Human Development: Perspectives on Adult Growth* (pp.54-78). New York: Oxford University Press.
- Edmondson, R. (2005). Wisdom in later life: Ethnographic approaches. *Ageing & Society* 25, 339-356.
- Erikson, E. H., Erikson, J. M. & Kivnick, H. Q. (1986). *Vital involvement in old age: The experience of old age in our time*. New York: W.W. Norton.
- Ferrari, M., & Weststrate. N. M. (2013). *The scientific study of personal wisdom: From contemplative traditions to neuroscience*. Dordrecht: Springer.
- Gluck, J., Bluck, S., & Baron, J. (2005). The wisdom of experience: Autobiographical
- می‌تواند در بهبود سلامت روان افراد و چگونگی حل مشکلات در برخورد با مسائل زندگی و فرهنگی به کار گرفته شود.
- سپاس‌گزاری.** از همکاری تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش تقدیر می‌شود.
- منابع**
- ایمان، م. (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، م.، و نوشادی، م. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۳(۲)، ۴۴-۱۵.
- شریفی، ح. پ.، و شریفی، ن. (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر سخن.
- علی‌احمدی، ع.، و نهایی، و. (۱۳۸۶). توصیفی جامع از روش‌های تحقیق (پارادایمها، استراتژیها، طرحها و رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی). تهران: تولید دانش.
- محسن‌پور، م. (۱۳۹۰). ارزیابی داده‌های کیفی. فصلنامه علمی پژوهشی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی سبزوار، ۱۶، (۳و۴)، ۵۵-۵۰.
- هاشمی، س. (۱۳۹۳). بررسی سبک‌های هویت و تعهد دانشجویان بر اساس الگوی ساخت هویت بروزنسکی و رابطه‌ی آن با خردمندی در فرایند حل مساله. مطالعات روان‌شناختی، ۱۰(۱)، ۱۳۶-۱۰۹.
- Ardelt, M. (2003). Development and empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on aging*, 25, 275-324.
- Ardelt, M. (2004). Where can wisdom be found? A reply to the commentaries by Baltes and Kunzmann, Sternberg, and Achenbaum. *Human Development*, 47(5), 304-307.
- Ardelt, M. (2008). Being wise at any age. In S. L. Lopez (Ed.), *Positive psychology: Exploring the best in people* (Vol1, pp.81-108). Westport, CT: Praeger.
- Ardelt, M. (2012). Self-Reported Wisdom and Happiness: An Empirical Investigation. *Happiness Study*, 13, 481-499.
- Assmann, A. (1994). Wholesome knowledge: Concepts of wisdom in a historical and cross-cultural perspective. In D. L. Featherman, R. M. Lerner & M. Perlmutter (Eds.) *Life-span development and behavior*

- narratives across adulthood. *International Journal of Behavioral Development*, 29(3), 197-208.
- Glück, J., & Bluck, S. (2011). Laypeople's conceptions of wisdom and its development: cognitive and integrative views. *Psychological Sciences*, 10, 10-22.
- Grady, M. P. (1998). *Qualitative and action research: A practitioner handbook*. Bloomington, ID: Phi Delta Kappa.
- Jason, L. A., Reichler, A., King, C., Madsen, D., Camacho, J., & Marchese, W. (2001). The measurement of wisdom: A preliminary effort. *Journal of Community Psychology*, 29, 585-598.
- Kramer, D. A. (1990). Conceptualizing wisdom: The primacy of affect-cognition relations. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, Origins, and development* (pp. 279-313). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Konig, S., & Gluck, J. (2012). Situations in Which I Was Wise: Autobiographical Wisdom Memories of Children and Adolescents. *Journal of Research on Adolescence*, 22(3), 512-525.
- Labouvie-Vief, G. 1985. Intelligence and cognition. In J. E. Birren, & K. W. Schaie (Eds.), *Handbook of the psychology of aging* (500-530). New York: Academic.
- Le, T., & Levenson, M. R. (2005). Wisdom: What's love (and culture) got to do with it? *Journal of Research in Personality*, 39, 443-457. doi:10.1016/j.jrp.2004.05.003
- Paulhus, D. L., Wehr, P., Harms, P. D., & Strasser, D. I. (2002). Use of exemplar surveys to reveal implicit types of intelligence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 1051-1062.
- Rosch, E. (2008). Beginner's mind: Paths to the wisdom that is not learned. In M. Ferrari & G. Potworowski (Eds.), *Teaching for wisdom* (pp. 43-62). Heidelberg, Germany: Springer.
- Smith, J., Dixon, R. A., & Baltes, P. B. (1989). Expertise in life planning: A new research approach to investigating wisdom. In J. D. Sinnott, F. A. Richards, & C. Adams (Eds.), *Adult development: Comparisons and applications of developmental models* (Vol. 1, pp. 307-331). New York: Praeger.
- Sternberg, R.J., & Lubart, T.I. (2001). Wisdom and creativity. In J. E. Biren & K. W. Schaie (Eds.), *Handbook of the psychology of aging* (pp. 500-522). Orlando, FL: Academic.
- Staudinger, U. M. (2001). Wisdom, psychology of. In N. Smelser, & P. Baltes (Eds.), *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*. Amsterdam: Elsevier.
- Staudinger, U. M., & Kunzmann, U. (2005). Positive adult personality development: Adjustment and/or growth? *European Psychologist*, 10(4), 320-329.
- Staudinger, U. M., & Gluck, J. (2011). Psychological Wisdom Research: Commonalities and Differences in a Growing Field. *The Annual Review of Psychology*, 62, 215-241.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998) *Basics of Qualitative Research* (2nd ed.). London: Sage Publications.
- Takahashi, M., & Overton, W. F. (2002). Wisdom: A culturally inclusive developmental perspective. *International Journal of Behavioral Development*, 26(3), 269-277.
- Takahashi, M., & Overton, W. F. (2005). Cultural foundations of wisdom: An integrated developmental approach. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives* (pp. 32-60). New York: Cambridge University Press.
- Walsh, R. (Ed.). (2014). *The world's great wisdom*. Albany, NY: Suny Press.
- Walsh, R. (2015). *What is wisdom?* Published in Review of General Psychology.
- Webster, J. D. (2003). An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale. *Journal of Adult Development*, 10(1), 13-22.
- Woodward, K. (2003). Against wisdom: the social politics of anger and aging. *Journal of Aging Studies*, 17(1), 55-67.
- Yang, S. Y. (2014). Wisdom and Learning from Important and meaningful Life Experiences. *Journal of Adult Development*, 21(3), 129-146.
- Yang, S. (2013). Wisdom and good lives: A process perspective. *New Ideas in Psychology*, 31(3), 194-201.
- Yang, S. (2001). Conceptions of wisdom among Taiwanese Chinese. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 662-680.

## **Elderly People's Attitudes Toward Wisdom and its Components: Wisdom Psychology**

**Rasool Kord Noghabi, Ph.D**  
Bu-Ali Sina University

**Arezou Delfan Beiranvand** ✉  
Bu-Ali Sina University

**Zeynab Arablo**  
Bu-Ali Sina University

Received: 2016.03.15

Accepted: 2016.02.18

Wisdom is a complex concept that has not been offered the unified definition. However, there is a general agreement among experts that wisdom includes knowledge, insight, reflection, and a combination of individual's interests with others' interests and welfare. Wisdom is associated with older age. Elderly people (old people) experience different events of life in different ways, so that in dealing with life matters they can provide appropriate solutions. Therefore, by investigating the concept of wisdom from the perspective of the elderly, this study analyzes and interprets wisdom and its features. The research methodology was qualitative and the instrument used was a structured interview. The interviews conducted on 37 elderly people in Hamedan Province (age range between 60 to 81) were recorded and transcribed. The interview texts were analyzed using content analysis. The results indicated that the most important feature of wise historical figures is "serve", and an important factor effective in their being wise included God's grace and good family training. The results also revealed that the concept of wisdom can be presented in 4 different forms (Religion, sympathy/support, cognition/ knowledge and personality), accordingly, the results show the spiritual and psychological/social aspects of wisdom in old age.

*Keywords:* Wisdom, Components of wisdom, aging, implicit theories of wisdom, wisdom psychology theories

Rasool Kord Noghabi, associate professor, Dept. of psychology, faculty of social sciences and economics, Bu-Ali Sina university of, Hamedan, I.R. iran; Arezou Delfan Beiranvand, M.A in Educational Psychology, Faculty of Social Sciences and Economics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, I. R. Iran; B.S in psychology, Faculty of Social Sciences and Economics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, I. R. Iran.

✉Correspondence concerning this article should be addressed to Arezou Delfan Beiranvand, M.A in Educational Psychology, Faculty of Social Sciences and Economics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, I. R. Iran Email: arezou.delfan14@gmail.com